

مسائل کوچ و اسکان در جامعه عشایری آذربایجان

نعمت اله تقوی *

چکیده

از سالهای آغازین هزاره دوم پیش از میلاد در کشور ما عشایر دوش به دوش جوامع مستقر زندگی کرده‌اند اما علاوه بر اقوام کوچ‌نشین داخل فلات ایران، در طول تاریخ این سرزمین ایلهای دیگری نیز به تدریج از سایر مناطق به کشور ما آمده‌اند. امروز عشایر در ایران ۲/۲ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند در حالی که حدود ۳ درصد از دامهای آن را پرورش می‌دهند.

بنا به دلایل انسانی، شهروندی، تعداد جمعیت و نقش عشایر در تولید شیر و گوشت قرمز کشور، توجه به برنامه‌های توسعه آنها ضرورت اساسی دارد. از میان سه گزینه ممکن برای استراتژی توسعه زندگی عشایر، یعنی ادامه کوچ، رمة گردانی و اسکان، سیاست دولت بر این قرار داشته است که توسعه به صورت اختیاری، با انتخاب یکی از شیوه‌های فوق و با بستر سازی کافی برنامه‌ریزی شود اما در هر حال اسکان برنامه‌ریزی شده اولویت داشته است.

مقاله حاضر نتیجه شش تحقیق جداگانه‌ای است که طی سالهای ۷۳ تا ۷۸ در مناطق قشلاقی استانهای آذربایجان شرقی و غربی به انجام رسیده و هدف آن پاسخگویی به سؤوالهای زیر می‌باشد:

۱ - تحول نرخهای واقعی کوچ و اسکان چگونه بوده است؟

۲ - نرخهای تمایل به کوچ و اسکان چه تغییری یافته‌اند؟

۳ - عوامل و شرایط اسکان کدامند؟

۴ - مسایل و مشکلات کوچ و اسکان چیست؟

یافته‌های مقاله حاضر حاکی از آن است که طی ۵ سال مورد بحث، نرخهای اسکان و رمه گردانی افزایش پیدا کرده؛ نرخ تمایل به اسکان بالا رفته ولی نرخ تمایل به رمه گردانی کاهش یافته است؛ شرایط اسکان از دیدگاه عشایر عبارتند از تسهیلات زیربنایی، تأمین سرمایه و اعتبار، و زمین و آب زارعی؛ و مهمترین مسایل کوچ و اسکان عبارتند از فقدان تسهیلات زیربنایی، مشکلات ایل‌راهها، اختلافهای قومی و قبیله‌ای، مشکلات اقتصادی، سنت گرایشی و تنگناهای فرهنگی، عدم آشنایی با تخصصهای فنی و فقدان برنامه توسعه جامع و کارا برای اسکان اختیاری عشایر.

واژه‌های کلیدی: کوچ زیستی - رمه گردانی - اسکان - تیپ توسعه - زیست بوم - کانون توسعه - شیوه تولید - شیوه معیشت - نظام و ساختار عشیرتی

مقدمه - طرح مسئله

این امر که شیوه‌های «یکجانشینی» و «کوچ‌نشینی» (nomadism) در سرزمین ایران از چه تاریخی به وجود آمده‌اند، تقدم و تأخر تاریخی آنها چگونه بوده، و آیا همزمان پیدا شده‌اند یا یکی از بطن دیگری زاده شده، بحث و گفتگو بسیار است. به طوری که مطالعات تاریخی نشان می‌دهد، «در هزاره‌های سوم تا اول پیش از میلاد، در سرزمین کنونی ایران اقوام و قبایل متعددی می‌زیسته‌اند که به دو گروه **کوه‌نشین** و **جلگه‌نشین** تقسیم می‌شدند ... این اقوام و قبایل، همه دارای سازمان اجتماعی قبیله‌ای بودند و در ساختار اجتماعی آنها نظام عشیرتی و مناسبات خویشاوندی نقش اساسی داشته است» (شهبازی، ۱۳۶۹: ۴۱).

«تا پیش از هزاره دوم پیش از میلاد، شیوه معیشت اقوام کوچ‌نشین ساکن سرزمین ایران را باید از **کوچ‌نشینی بدوی** (primitive nomadism) دانست زیرا گردآوری خوراک و شکار در کنار دامداری و زراعت ابتدایی، تصویر یک شیوه معیشت ساده و بسیط را رقم می‌زند. تنها در هزاره دوم پیش از میلاد است که تقسیم کار اجتماعی میان دامداری و زراعت آغاز می‌شود و قبایل کوچ‌نشین **شبان** (شبانکارگی = pastoralisma) پدیدار

می‌شوند» (همانجا: ۴۲). از این رو می‌توان دید که «نظام‌های عشیرتی» (tribalism) مقدم بر «نظام‌های زراعی» (یکجانشینی) و «شبانگاری» (کوچ زیستی) آثار خود را در ادوار پسین بر جای گذاشته است، اما با توجه به شرایط طبیعی و جغرافیایی منطقه و رویدادهای تاریخی - سیاسی هر بخش از مناطق کشور، تأثیرات به وجود آمده متفاوت بوده است.

«علاوه بر اقوام کوچ‌نشین داخل فلات ایران، در طول تاریخ این سرزمین قبایل دیگری نیز به تدریج از مناطق دیگر به این کشور آمده‌اند. پس از حمله اعراب به ایران، قبایل عرب از سوی جنوب غربی و متعاقب آن قبایلی از آسیای میانه به سوی ایران، سرازیر شده‌اند. بعدها ورود ترکان غز و سپس ترکان سلجوقی و بعدها مغول و اقوام دیگر، زندگی قبایله‌ای و چادرنشینی را که می‌رفت خاتمه پذیرد، از نو زنده کرد. بعضی از نویسندگان، دور صفویه را دومین دوره اوج‌گیری زندگی کوچ‌نشینی در ایران پس از اسلام می‌دانند زیرا هجوم قبایل ترک و تاتار در این دوره جان تازه‌ای به حیات کوچ‌نشینی ایران داده است. نفوذ و اثر عشایر روی رفتار سیاسی و حکومتی ادوار بعدی ایران مانند افشاریه، زندیه و قاجاریه نیز کاملاً هویدا است» (تقوی، ۱۳۷۳: ۳۸).

در مورد تعداد جمعیت و خانوارهای عشایری ایران در طول تاریخ، بویژه طی دهه‌های اخیر اطلاعات آماری دقیقی وجود ندارد. مطالعات موجود حکایت از آن دارد که «در سال ۱۳۴۵ جمعیت عشایری ایران برابر ۴۶۱ هزار نفر بوده است. براساس گزارش سازمان دامداری متحرک، جمعیت ایلات ایران در سال ۱۳۵۵ برابر ۴/۸ میلیون نفر برآورد شده که بیش از نصف این جمعیت، یعنی ۲/۴ میلیون نفر کوچ‌نشین بوده‌اند. براساس برآورد دکتر افشار نادری، جمعیت ایلی ایران در سال ۱۳۵۰ برابر ۴/۵ میلیون نفر بوده که حدود ۲ میلیون نفر آنها کوچ‌رو بوده‌اند. هوشنگ کشاورز جمعیت کوچ‌روی ایران در سال ۱۳۵۴ را ۴/۲ میلیون نفر برآورد کرده است» (وزارت کشاورزی، ۱۳۶۱: ۷).

«نتایج تفصیلی سرشماری اقتصادی و اجتماعی عشایر کوچنده کشور که در تیر ماه ۱۳۶۶ توسط مرکز آمار ایران انجام گرفته بود، نشان داد که ۱/۱۵ میلیون نفر از جمعیت ایران (حدود ۱۸۰ هزار خانوار) را عشایر تشکیل می‌دهند. این افراد حدود ۱۷ میلیون رأس گوسفند و بز پرورش می‌دهند. در شرایطی که عشایر کشور تنها ۲/۲ درصد از جمعیت ایران را به خود اختصاص داده‌اند، حدود ۳۰/۰ درصد از دام کشور را پرورش می‌دهند» (تقوی، ۱۳۷۷: ۲۰).

ضرورت انجام مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی و اجرای طرح‌های توسعه مناطق عشایری کشور، نه تنها از این جهت است که به سرنوشت بیش از یک میلیون نفر از جمعیت این سرزمین مربوط می‌شود و عشایر به مثابه انسان و شهروندان ایرانی، حق دارند از همه امکانات و تسهیلات مادی و اجتماعی به سان دیگران برخوردار شوند، بلکه از لحاظ اقتصادی و تولیدی نیز در خور توجه می‌باشند زیرا سهم بزرگی از گوشت قرمز، فرآورده‌های شیری و پشم کشور توسط آنها تولید می‌شود و جامعه عشایری از نظر فعالیتهای تولیدی و دامداری در اقتصاد کشور اعتبار و موقعیت بالایی دارد. علاوه بر موارد فوق، عشایر در حرکت‌های تاریخی- سیاسی ایران نیز نقش مهمی بر عهده داشته‌اند. با توجه به موارد فوق، ضرورت توجه به حیات اجتماعی - اقتصادی عشایر و اجرای طرح‌های توسعه مناطق عشایری مفهوم پیدا می‌کند.

با توجه به نظراتی که در حول محورهای سه گانه برای توسعه (سه گزینه آینده زندگی عشایر)، یعنی

- ۱) ادامه کوچ زیستی (nomadism) با روشی بهینه‌تر و با امکانات و تسهیلات مناسبتر
- ۲) رمه گردانی (transhumance) یا اسکان خانوار و کوچ دام توسط بعضی از اعضای

آن

۳) اسکان (settlement) در نقطه مشخص با یک برنامه مدون و حساب شده در سمینار «استراتژی توسعه زندگی عشایری» در اسفند ماه ۱۳۶۹ شیراز برگزار شد و در قطعنامه همین سمینار نیز آمده است، از جانب شرکت کنندگان سمینار سیاست‌هایی به شرح زیر به دولت پیشنهاد شد:

اولاً سیاست‌های سه گانه فوق و یا هر سیاست تلفیقی و غیر تلفیقی دیگر در تمام مناطق عشایری کشور به طور یکسان قابلیت اعمال ندارند، یعنی ممکن است در جایی ادامه کوچ‌روی مناسبتر باشد و در جای دیگر اسکان بهتر تلقی شود؛

ثانیاً هیچ کدام از این سیاستها نباید به صورت الزامی و اجباری بر عشایر تحمیل شود چرا که سیاست‌های اجباری کارساز نبوده و با کرامت طبع انسانی سازگاری ندارند؛

ثالثاً اتخاذ هر یک از سیاست‌های مزبور و اعمال آن در منطقه‌ای از مناطق عشایری باید با برنامه‌گذاری کامل و تمهید مقدمات دقیق و آماده سازی بستر کار توأم باشد.

برای رسیدن به اهداف مذکور، دولت پس از انجام مطالعات لازم، از طریق سازمان امور عشایر تمهیداتی آماده کرد و برنامه‌هایی در جهت توسعه مناطق عشایری کشور تنظیم

نمود. یکی از این برنامه‌ها به توسعه مناطق عشایری در قالب «**تیپ‌های توسعه**»، در قلمرو «**زیست بوم‌های عشایری**» و به صورت «**کانون‌های توسعه**» مربوط بوده است. ذیلاً به تعریف مفاهیم اساسی فوق اشاره می‌شود:

۱ - **تیپ توسعه**: در مطالعات کلان توسعه مناطق عشایری، به سطح بالاتری از تقسیم مناطق ایلی اطلاق می‌شود که بیش از آن که تابع فضا و تقسیمات جغرافیایی باشد، به حوزه‌های فرهنگ عشیره‌ای، شیوه معیشت، نحوه کوچ و اسکان و بالاخره ریشه نژادی مربوط می‌شود. به بیان دیگر، تیپ عشایری، ایلها و طایفه‌های متعلق به یک سرزمین است که از نظر فرهنگ عشیرتی، شیوه معیشت، نحوه کوچ و اسکان و ریشه‌های نژادی دارای وحدت می‌باشد. «**تیپ بندی**» عبارت است از تقسیم مناطق عشایر نشین کشور به تیپ‌های مختلف عشایری مانند تیپ‌های بلوچ سرحدی و مکرانی در سیستان و گرمادوز در کلیبر آذربایجان (موسوی نژاد، ۱۳۷۲: ۱۵). در تیپ توسعه معمولاً از نظر اتخاذ سیاست‌های توسعه (کوچ، رمه گردانی و اسکان) شرایط و ویژگی‌های عمومی مشابهی پیش‌بینی می‌شود.

۲ - **زیست بوم عشایری**: محدوده‌ای است از سرزمین و قلمرو «**رده‌های ایلی**» علی‌الاصول شامل بیلاق، قشلاق و سرزمین بین این دو، که از حیث جغرافیای طبیعی و مراحل کوچ دارای وحدت و همگنی نسبی و از لحاظ ساختار اجتماعی دارای هویتی تاریخی - حقوقی و هماهنگی و هم‌سخنی‌های مشارکت برانگیز باشد.

در ارتباط با این تعریف، ذکر چند نکته ضروری است:

۱) قلمرو زیست بوم‌های عشایری عمدتاً بر عوارض اقلیمی و طبیعی استوار است.

۲) تشخیص همگنی جغرافیایی و هماهنگی‌های اجتماعی - قبیله‌ای، براساس عرف، وفاق نظر مطلعین و معتمدین عشایر، کارگزاران امور آنها و خبرگان و مسئولین محلی است.

۳) رده‌های مهم ایلی موجود در زیست بوم عبارتند از: ایل، طایفه و تیره.

۴) هویت زیست بومها در طول تاریخ حیات عشایر تعیین می‌شود.

۵) معیار جمعیتی در سطوح یک رده تعیین می‌گردد که در حدود ۵۰۰ تا ۳۰۰۰ خانوار (تقریباً مساوی با جمعیت دهستانها) می‌باشد.

۶) زیست بوم عشایری دارای ابعاد مکانی و اجتماعی است اما برخلاف مراکز شهری و روستایی که «**مکان محوری**» است، «**بعد اجتماعی**» یعنی ساختارهای عشیرتی در زیست بوم‌های عشایری محدودیت دارند.

۷) سعی می شود محدوده های زیست بوم با تقسیمات کشوری و اداری هماهنگی و یگانگی پیدا کند (همانجا : ۱۱ تا ۱۴؛ نقل به تلخیص) .

در هر یک از استانها و مناطق عشایرنشین کشور چند « تیپ توسعه » و در هر یک از آنها یک یا چند « زیست بوم عشایری » تعیین گردیده و برنامه توسعه به تدریج از سال ۱۳۷۰ آغاز شده است. برخی از زیست بومها کوچکترند و در داخل آنها یک « کانون توسعه » تعیین شده ولی در برخی دیگر، به دلیل وسعت زیست بوم یا وجود رده های ایلی ناسازگار، چند کانون توسعه معین می شود (تقوی، ۱۳۷۷: ۲۴) .

۳- **کانون توسعه** : به محدوده ای از زیست بوم عشایری اطلاق می شود که بر اساس یافته های مطالعاتی، بالفعل یا بالقوه، استعداد و امکانات برتری برای سازماندهی عشایر کوچنده در قالب اهداف طرح توسعه در آن شناسایی شده باشد (همانجا : ۱۴) .

نیل به اهداف طرح توسعه زندگی عشایر، کشف و فعلیت بخشیدن به استعدادهای موجود در زیست بومها و قلمرو زیست عشایر را ضرورت بخشیده است. به همین دلیل تمرکز فعالیتها در « کانونهای توسعه » در متن توجهات سازمان امور عشایری ایران قرار گرفته است .

کانونهای توسعه که معمولاً در قلمرو زیست بوم عشایری هستند و دارای قابلیتهای کشاورزی و تولید علوفه و استحصال آب زارعی و آب آشامیدنی در حد نیاز می باشند، و همچنین از شرایط آب و هوایی و جوی مناسب برخوردار هستند و از نظر دسترسی به راههای ارتباطی و مراکز جمعیتی و خدمات رفاهی و اجتماعی در سطح بالا، در وضعیت مناسبی قرار دارند، از اهمیت و ارزش برتری در عملیات اجرایی اسکان عشایر کشور برخوردار می باشند (رهنمودها، ۱۳۷۲ : ۲) .

اجرای برنامه های توسعه مناطق عشایری با هدف اسکان اختیاری، تدریجی و برنامه ریزی شده، و شناخت زیست بومها و کانونهای توسعه به عنوان « مراکز توسعه و خدمات رسانی » بر دلایل زیر مبتنی بوده است :

- ۱) محوریت دامداری و صنایع جنبی مربوط به آن ،
- ۲) استفاده بهینه از مراتع موجود کشور ،
- ۳) مراعات تناسب جمعیت با مراتع موجود ،
- ۴) مراعات نسبت دام به مرتع به منظور جلوگیری از تخریب و فرسایش آنها ،
- ۵) تغییر تدریجی شیوه تولید از طریق جایگزینی دامپروری صنعتی با آزادی انتخاب

شیوه معیشت ،

۶) ترویج زراعت و باغداری مکانیزه با اتخاذ سیاستهای تشویقی ،
۷) مراعات تناسب در تولید فرآورده‌های شیری و گوشتی برای تقلیل نیاز به علوفه
خریداری شده (تقوی، ۱۳۷۴ : ۱۲) .

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

عشایر کشور ما در طول تاریخ سه نوع کوچ را تجربه کرده‌اند : نخست کوچ مستمر میان مناطق گرمسیری (قشلاق) و سردسیری (بیلاق) ؛ دوم کوچ یا مهاجرت اضطراری بنا به دلایل سیاسی و اقتصادی که باعث شده است ایلها و طایفه‌هایی از عشایر سرزمین مألوف خود را برای زندگی در سرزمین دیگر ترک کنند و در این مورد دو شیوه معیشت « رمه داری » و « غارت » به صورت مکمل و جایگزین هم عمل کرده‌اند؛ سوم کوچ یا مهاجرت‌های اجباری که در طول تاریخ توسط شاهان و سلاطین به منظور آرام کردن عشایر، اطفای شورشها و در برخی موارد برای جنگ با دیگران و سرکوب اقوام یاغی و شورشی، به عشایر تحمیل شده است (تقوی، ۱۳۷۳ : ۱۶۰) .

اگر چه در گذشته‌های دور، یعنی در سالهای پس از استقرار اسلام در ایران تا دوره قاجاریه نیز بنا به دلایلی، عشایر کشور ما از سر اضطرار یا اجبار به اسکان و یکجانشینی روی آورده‌اند [یکجانشین (تات یا تاجیک) شدن اقوام مختلفی از کوچ‌نشینان (ترک) شاهد این مدعا است]، اما اسکان سریع عشایر بنا به ضرورت‌های تاریخی، سیاسی، و اقتصادی و اجتماعی از اواخر دوران قاجاریه، بویژه پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی اتفاق افتاده است .

به نظر هوشنگ کشاورز، «در تاریخ اجتماعی ایران روشن شده است که اسکان عشایر تحت تأثیر یکی از عوامل زیر و در شرایط ویژه آن صورت گرفته است :

الف - اسکان مبتنی بر عوامل داخلی :

۱) گرفتار فقر و غارت شدن عشایر ،

۲) تغییر عملکرد اقتصاد عشایری مانند بازاری شدن تولید ،

۳) اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای ،

۴) قرار گرفتن ایل کوچک در کنار ایل بزرگ .

ب - اسکان مبتنی بر عوامل خارجی :

۱) تأثیر امور و مسایل سیاسی ،

۲) فشار قدرتهای وقت .

ج - اسکان تاریخی یا دو گونه تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی « (کشاورز ، ۱۳۵۴ : ۴۶) .

شکل و دوره مهمی از اسکان عشایر که طی سالهای پیش از انقلاب اتفاق افتاده، فروپاشی حیات ایلی از طریق دور کردن آنان از کوچندگی و اسکان اجباری (به اصطلاح ، « تخته قاپو » کردن) عشایر می‌باشد. این امر از زمان رضا شاه در ایران پیاده شد و پس از اجرای اصلاحات ارضی ، دو حمله بزرگ دیگر نیز به حیات ایلی وارد آمد . بنا براین ، « سیاستهای اسکان عشایر در دوره پهلوی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد :

دوره اول از سال ۱۳۰۰ شروع و تا آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ با جنگهای خونین و کشت و کشتارهای سران و جنگجویان عشایری همراه بوده است .

دوره دوم از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۱ ادامه یافته و در آن، مسئله اسکان طبیعی عشایر مورد نظر قرار گرفته و هدف اساسی حکومت مرکزی استقرار دوباره نیروهای انتظامی در مناطق ایلی بوده است .

دوره سوم از ۱۳۴۱ آغاز و تا وقوع انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرده است. در این دوره، حکومت مرکزی براساس برنامه‌ریزی و با کسب تجربه حاصل از عدم موفقیت اسکان اجباری عشایر، از طریق سیاسی به اسکان عشایر اقدام کرد « (وزارت کشاورزی ، ۱۳۶۱ : ۲-۳) .

« سیاست اسکان اجباری عشایر توسط رضا شاه که به سیاست تخته قاپو معروف است، اقدامات زیر را شامل می‌شد :

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱) اسکان ،
- ۲) تعویض سیاه چادر و آلاچیق ،
- ۳) خلع سلاح ،
- ۴) دگرگونی در نحوه امرار معاش (شیوه معیشت) ،
- ۵) تغییر لباس سنتی کوچ‌نشینان ،
- ۶) دگرگونی در وضع سیاسی ،
- ۷) تثبیت مالکیت شهرنشینان بر اراضی کوچندگان ،
- ۸) تبعید اجباری ،
- ۹) تأسیس دارالتربیه عشایری « (امان الهی، ۱۳۶۰ : ۲۴۰) .

« ملی کردن بخش عظیمی از مراتع و جنگلها در قالب برنامه اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ و سپس صدور پروانه چرای انفرادی جهت افراد کوچ‌نشین، ضربه جبران ناپذیری به

سران عشایر وارد ساخت و تا حدی دست آنها را از سر کوچ‌نشینان کوتاه کرد» (همانجا : ۲۱۵).

در اوایل دهه ۱۳۵۰ اقدام دولت برای ایجاد شرکتهای شیر و گوشت نظیر خریدن گوشت گوسفندان کودی استرالیایی و ممنوعیت خرید دام عشایر، ضربه دیگری بر اقتصاد دامداری عشایر وارد کرد و ارقام کلانی از خانوارهای عشایری را برای مهاجرت به مناطق شهری همجوار سوق داد .

* * *

مقاله حاضر بر مبنای شش تحقیق عشایری تهیه شده است که طی سالهای ۱۳۷۳ الی ۱۳۷۸ در استانهای آذربایجان شرقی و غربی توسط نگارنده و محققین دیگر اجرا شده است. عناوین اهداف و خلاصه‌ای از مباحث تحقیقات مورد اشاره به شرح زیر می‌باشد:

۱- مطالعات اقتصادی و اجتماعی زیست بوم عشایری قره قیه (حوزه سد مخزنی ارسباران): این تحقیق در سال ۱۳۷۳ توسط نگارنده و با هزینه دفتر مطالعات طرح توسعه مناطق عشایری اداره کل امور عشایری استان آذربایجان شرقی به اجرا در آمده و هدف آن عبارت بود از شناخت وضع موجود « زیست بوم عشایری قره قیه » و تعیین امکانات توسعه و موانع آن، و در نهایت فراهم سازی زمینه اجرای برنامه‌ریزی توسعه در این منطقه از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیر بنایی .

زیست بوم عشایری قره قیه در شهرستان کلیدر واقع شده و در زمان بررسی از ۶۱ قشلاق عشایری و ۲ روستا تشکیل می‌شد. در منطقه مورد بحث ۱۷۰۴ خانوار عشایری و ۸۷ خانوار روستایی زندگی می‌کردند و برنامه دولت چنین بود که در مرکز زیست بوم، « شهرک عشایری قره قیه » را ایجاد کند و با استفاده از آب سد مخزنی ارسباران، حدود ۴ تا ۵ هزار هکتار اراضی آبی ایجاد نماید و در نهایت حدود ۱۰۰۰ خانوار را در آن اسکان دهد .

۲- بررسی اقتصادی - اجتماعی زیست بوم عشایری ایل جلالی (کانون توسعه دشت زنگنه): این تحقیق در سال ۱۳۷۴ توسط نگارنده و با هزینه دفتر مطالعات طرح توسعه مناطق عشایری اداره کل امور عشایر استان آذربایجان غربی به اجرا در آمد و هدف آن عبارت بود از شناسایی وضع موجود « کانون توسعه دشت زنگنه » واقع در « زیست بوم عشایری ایل جلالی » و تشخیص امکانات توسعه و موانع و تنگناهای آن، و در نهایت فراهم سازی زمینه اجرای برنامه‌های توسعه در این منطقه از لحاظ اقتصادی اجتماعی و زیر بنایی .

زیست بوم عشایری ایل جلالی در منتهی الیه شمال غربی ایران و شمال شهرستان ماکو در آذربایجان غربی واقع شده و کانون توسعه دشت زنگنه در داخل این زیست بوم قرار گرفته است. این قسمت زیست بوم از ۹ مرکز سکونت زمستانی عشایر (قشلاق) و یک روستای تخلیه شده به نام «زنگنه» تشکیل گردیده و جمعاً ۶۶۳ خانوار عشایری و ۵۴ خانوار روستایی مهاجر را در بر می‌گیرد. برنامه دولت در کانون توسعه زنگنه این بود که کانون یا کانونهای توسعه‌ای در قشلاقها و روستای زنگنه ایجاد کند و برای توسعه منطقه با استفاده از آب رودخانه «قره سو» در شمال منطقه، مزارع آبی زیادی ایجاد نماید.

یکی از هدفهای نهایی تحقیق این بود که با ارائه طریق، بتواند توازنی در ساکنین منطقه از نظر روستایی و عشایری، ترک و کرد و شیعه و سنی ایجاد کند و با کاهش تنشهای قومی و قبیله‌ای، در تقریب گروههای مختلف به همدیگر کارساز باشد.

۳- طرح نیمه تفصیلی کانون توسعه دشت زنگنه: این تحقیق در سال ۱۳۷۵ توسط مهندسین مشاور توسعه و بهسازی ارومیه و با هزینه اداره کل امور عشایر آذربایجان غربی به انجام رسیده و هدف آن عبارت بود از بررسی ویژگیهای طبیعی و منابع کانون توسعه دشت زنگنه، وضعیت اجتماعی کانون، شرایط اقتصادی آن و شناسایی امور زیر بنایی و خدماتی کانون به منظور آماده سازی بستر مطالعاتی برای توسعه دشت زنگنه.

این تحقیق، در واقع، فاز دوم پژوهش ذکر شده در بند پیش بوده و در همان قلمرو جغرافیایی به انجام رسیده است. این تحقیق با استفاده از یافته‌های پژوهش مذکور و افزودن بخشهایی بر آن، مطالعات تکمیلی دشت زنگنه را انجام داده است.

۴- بررسی ساختار سیاسی- اجتماعی عشایر استان آذربایجان شرقی (عشایر ارسباران): این تحقیق در سال ۱۳۷۶ توسط دکتر محمد باقر بهشتی و با هزینه استانداری آذربایجان شرقی به انجام رسیده است. هدف تحقیق عبارت بود از شناخت ساخت و سازمان ایلی عشایر استان، مراجع تصمیم‌گیری و افراد ذی نفوذ در جامعه عشایری، بررسی وضع مالکیت مراتع و مسئله کوچ و اسکان در این جامعه.

جامعه آماری این تحقیق را عشایر «ایل سون» و «ارسباران» مرکب از ۱۰ طایفه (۳ طایفه از عشایر ایل سون و ۷ طایفه از عشایر ارسباران) متشکل از ۴۹۶ خانوار (۵۴ خانوار از ایل سون و ۴۴۲ خانوار از ایل ارسباران) تشکیل می‌داد.

قشلاق عشایر ایل سون در شرق رودخانه «دره رود» و قشلاق عشایر ارسباران در غرب این رودخانه قرار دارد و بیلاق ایل سونها در شهرستانهای هشترود و میانه و بیلاق عشایر ارسباران در شهرستانهای اهر، کلبر و مرند واقع شده است.

۵ - **مطالعات تفصیلی محل اسکان عشایر در کانون توسعه قره قیه** : این تحقیق در سال ۱۳۷۷ توسط نگارنده، به هزینه دفتر مطالعات طرح توسعه مناطق عشایری اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی و با همکاری شرکت آذر کوچ به انجام رسیده است. اهداف ویژه تحقیق حاضر عبارت بود از: بررسی ساخت و ترکیب جمعیت موجود در کانون توسعه قره قیه، حرکات و آینده‌نگری جمعیت، خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و ویژگیهای اجتماعی جمعیت و نیروی انسانی کانون .

تحقیق مورد بحث، در واقع، فاز تکمیلی گزارش مذکور در بند اول مطالعات انجام یافته است و هدف نهایی آن عبارت است از انجام مطالعات زمینه‌یابی و بسترسازی برای ایجاد « شهرک قره قیه » در زیست بوم عشایری قره قیه که قرار است پس از اتمام سد مخزنی و ایجاد کانال برای آبی کردن زمینهای مرتعی، ایجاد شود و مقدمات اسکان اختیاری خانوارهای داوطلب عشایری را فراهم سازد .

۶ - **طرح ساماندهی عشایر قره گونی** : این تحقیق توسط نگارنده در سال ۱۳۷۸ و با هزینه اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی به انجام رسیده و هدف کلی آن عبارت بود از ترسیم شمای کاملی از وضع موجود جامعه عشایری « قره گونی » به منظور آماده سازی بستر ساماندهی عشایر مورد مطالعه، در قالب اسکان تدریجی و اختیاری، پس از آماده سازی زمینه و برنامه‌ریزی دقیق برای این منظور .

«قره گونی» یکی از قشلاقهای چند گانه‌ای است که در مرز میان شهرستانهای هشترود و میانه از استان آذربایجان شرقی قرار دارد. قشلاقهای مزبور در نتیجه مهاجرت اضطراری تعدادی از عشایر ایل سون در ۸۰ - ۷۰ سال گذشته از دشت مغان ایجاد شده‌اند . موضوع مورد بحث تحقیق این بود که اداره کل امور عشایر استان طی سالهای اخیر بند انحرافی کوچکی در برابر رودخانه فصلی قره گونی ایجاد کرده و حدود ۱۳۰ هکتار از اراضی مرتعی و زراعی قشلاق را آبی نموده است. تحقیق حاضر به دنبال آن بوده است که با بررسی وضع موجود جامعه، زمینه را برای تخصیص آب به زمینهای عشایر به شیوه‌ای منطقی و عادلانه فراهم آورد و بستر توسعه منطقه مجروح عشایری را هموار سازد .

سئوالهای تحقیق

بحث نظری و سئوال اساسی پژوهشی در کلیه مطالعات عشایری، بویژه در شش تحقیق مورد بحث این بوده است که:

☑ آیا زمان کوچ و کوچ زیستی در شرایط معاصر تاریخ کشور به سر آمده؟

□ آیا عشایر کشور ما، دیگر نمی‌توانند به شیوه سنتی پیشین یا به شکلی دگرگون یافته به کوچروی خود ادامه دهند؟

□ آیا عشایرناچار هستند به شیوه رمه گردانی یا اسکان مطلق روی آورند؟

در جهت پاسخیابی به سئوالهای اساسی فوق بوده است که پژوهشهای مورد بحث انجام گرفته و مقاله حاضر نیز در پی آن است که خلاصه‌ای از یافته‌های این پژوهشها را در رابطه با سئوالهای اساسی مطروحه جمع‌بندی کند. سئوالهای پژوهشی مورد نظر در مقاله براساس یافته‌های تحقیقات شش گانه، به شرح زیر تدوین شده است:

۱) تحول نرخهای واقعی کوچ، رمه گردانی و اسکان در سالهای اخیر (۷۸-۷۳) چگونه بوده است؟

۲) نرخهای تمایل به کوچ، رمه گردانی و اسکان در این سالها چه تغییراتی پیدا کرده‌اند؟

۳) عوامل مؤثر بر کوچ و اسکان و شرایط آن به چه ترتیبی بوده است؟

۴) مسایل و مشکلات کوچ و اسکان عشایر در این دوره کدام بوده‌اند؟

یافته‌های پژوهشی

اگرچه جوامع عشایری مورد مطالعه در میان سالهای ۷۸-۷۳ یکسان نبودند و به همین جهت استنباط دقیق تغییرات آمار و ارقام آنها کاملاً دقیق نیست، اما نظر بر این که اولاً میان چهار منطقه مطالعه شده از جهت ساخت اجتماعی - اقتصادی و سازمان بندی ایلی مشابهت‌های زیادی وجود دارد، ثانیاً مناطق «قره قیه» و «دشت زنگنه» هر کدام دو بار در این مدت مورد بررسی قرار گرفته‌اند، لذا می‌توان به یافته‌های تحقیق اعتماد داشت.

با توجه به اهداف و محتوای پژوهشهای مورد بررسی، خلاصه‌ای از یافته‌های آنها به شرح زیر مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱- **نرخهای کوچ و اسکان:** نرخهای کوچ، رمه گردانی و اسکان عشایر مطالعه شده طی سالهای ۷۸-۷۳ در جدول و نمودار شماره ۱ منعکس شده است. آنچه از ارقام جدول مزبور استنباط می‌شود، به شرح زیر است:

۱) طی سالهای ۷۸-۷۳ نرخ اسکان عشایر در مناطق مورد مطالعه از ۳/۵ درصد در قره قیه (سال ۱۳۷۳) تا ۲۴/۵ درصد در قره گونی (سال ۱۳۷۸) متغیر بوده است.

۲) نرخ اسکان در زیست بوم و کانون توسعه قره قیه از ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۷/۰ درصد در سال ۱۳۷۷ (طی چهار سال) افزایش پیدا کرده، یعنی دو برابر شده است.

۳) نرخ رمه گردانی در سالهای مورد بحث از $1/5$ درصد در دشت زنگنه (سال ۱۳۷۴) تا $32/5$ درصد قره گونی (سال ۱۳۷۸) نوسان داشته است .

۴) در میان سالهای ۷۳ و ۷۷ نرخ رمه گردانی در قره قیه از $2/0$ به $6/0$ درصد افزایش یافته، یعنی سه برابر شده است .

۵) نتیجه این که در طول ۵ سال، با وجود تفاوت و تنوع نرخهای کوچ و اسکان در مناطق مختلف، نرخهای اسکان و رمه گردانی سریعاً افزایش پیدا کرده و نرخهای کوچندگی کاهش یافته است .

۲ - نرخهای تمایل به کوچ : علاوه بر نرخهای کوچ و اسکان واقعی، شاخص دیگری نیز وجود دارد که گرایش عشایر را برای کوچ و اسکان در آینده منعکس می کند. ارقام مربوط به تمایل و گرایش عشایر به کوچ و اسکان در جدول و نمودار شماره ۲ دیده می شود. استنباطهای زیر از داده های جدول مذکور قابل دریافت است :

۱) به استثنای قشلاق قره گونی ، به دلیل شرایط نسبتاً ویژه که در حالتی میان عشایری و روستایی قرار دارد ، نرخهای تمایل به اسکان در سالهای مورد بررسی از حدود ۸۸ درصد در سال ۱۳۷۳ (قره قیه) تا $98/5$ درصد در سال ۱۳۷۷ (عشایر ارسباران و قره قیه) مشاهده می شود .

۲) نرخ تمایل به اسکان عشایر در منطقه قره قیه از $88/0$ درصد در سال ۱۳۷۳ به $98/5$ درصد در سال ۱۳۷۷ (طی چهار سال) افزایش پیدا کرده و ارقام مربوط به دشت زنگنه در طول یک سال (از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵) از $87/5$ به $92/5$ درصد تغییر یافته است .

۳) نرخهای تمایل به رمه گردانی عشایر مورد مطالعه از $0/5$ درصد در مورد عشایر ارسباران و قره قیه (سالهای ۷۶ و ۷۷) تا $20/0$ درصد در مورد عشایر قره گونی (سال ۱۳۷۸) نوسان دارد .

۴) نرخهای تمایل به رمه گردانی در قره قیه از $2/0$ درصد در سال ۱۳۷۳ به $0/5$ درصد در سال ۱۳۷۷ کاهش پیدا کرده است .

۵) نتیجه این که در طول سالهای مورد بحث، نرخهای تمایل به اسکان افزایش یافته ولی نرخهای تمایل به رمه گردانی و کوچ کاهش پیدا کرده است .

۳ - عوامل و شرایط اسکان : بررسیهای عشایری مورد مطالعه حکایت از آن دارد که « اگرچه اکثریت عشایر طالب اسکان هستند، اما نه تحت هر شرایط و بدون تمهید مقدمات و برنامه، بلکه علاقه دارند زندگی مناسبی در مرکز کانونهای توسعه و شهرکهای عشایری آماده شود تا اسکان آنان مفهوم منطقی پیدا کند » (تقوی، ۱۳۷۷ : ۱۵۰) .

شرایط مختلفی را که عشایر در پیشنهادهای خود عنوان کرده و برای اسکان ضروری دانسته‌اند، در جدول و نمودار شماره ۳ منعکس شده است. مشاهده می‌شود که خانوارهای عشایری وجود تسهیلات زیربنایی نظیر راه، برق، امکانات آموزشی و... را مهمترین اولویت و شرط اولیه اسکان تلقی می‌کنند (۳۸/۸ درصد). پس از آن سه پیش نیاز مهم اسکان را امکان تأمین سرمایه و وام و اعتبار (۲۱/۲ درصد)، زمین زراعی (۱۹/۳ درصد) و آب زراعی و آب مشروب (۱۸/۳ درصد) دانسته‌اند. سایر شرطها رقم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص می‌دهند (جمعاً ۲/۴ درصد).

یکی از مباحث مهم در زمینه شرایط و عوامل اسکان عشایر، محل اسکان است. قلمرو زیست بومهای عشایری در برگیرنده سه منطقه می‌باشد: گرمسیری (یا قشلاق)، سردسیری (یا بیلاق) و میان بند (یا ایلراه). این که کدام یک از مناطق سه گانه زیست بوم برای اسکان دایمی عشایر مناسبتر است، اکثریت قریب به اتفاق آنان منطقه قشلاقی را تأیید می‌کنند: از ۹۶/۴ تا ۹۹/۸ درصد. این رقم هر چه از نظر زمانی جلوتر بیاییم، افزایش می‌یابد: از ۹۶/۴ درصد از سال ۱۳۷۳ (قره قیه) به ۹۹/۸ درصد در سال ۱۳۷۷ (قره قیه). به نظر عشایر، در میان مناطق قشلاقی، اسکان در قشلاق خودی مرجح است: ۷۳/۰ درصد عشایر قره قیه و ۹۴/۴ درصد عشایر زنگنه اسکان در قشلاق خودی را به قشلاقهای دیگر ترجیح داده‌اند.

نکته دیگر در محل اسکان عشایر، شهرکها و مراکز کانونهای توسعه است که دولت برای اسکان اختیاری عشایر در نظر می‌گیرد. اکثریت قریب به اتفاق عشایر (بیش از ۸۵/۰ درصد آنان) برای اسکان در این مناطق تمایل و راضی هستند، اما زمانی که اسکان در مناطق قشلاقی با امید به دریافت زمین زراعی توأم می‌شود، میزان تمایل عشایر شدت می‌یابد: بیش از ۹۱/۰ درصد (رک: جدول شماره ۴).

۵ - مسایل کوچ و اسکان: جدا از نظر عشایر در مورد عوامل و شرایط اسکان، مسایل و مشکلاتی بر سر راه کوچ و اسکان خانوار عشایری وجود دارد که ادامه کوچ و فرآیند اسکان را برای آنان دشوار می‌سازد. این بحث را بر اساس یافته‌های پژوهشهای ششگانه در دو قسمت بررسی می‌کنیم:

نخست - مسایل کوچ: چنان که از جدولها و نمودارهای شماره ۱ و ۲ پیدا است، علی‌رغم تمایل تعداد اندکی از عشایر برای کوچ (حدود ۶ درصد)، نزدیک به چهار پنجم آنان (حدود ۸۰/۰ درصد) به کوچندگی ادامه می‌دهند. در حال حاضر، نه زمینه‌ها و امکانات اسکان برای عشایر فراهم است و نه این که کوچ زیستی برای آنها آسان می‌باشد.

مسایل کوچ عشایر را می‌توان به صورت زیر گروه‌بندی کرد :

۱- عدم امکانات و تسهیلات زیر بنایی در مناطق بیلاقی و قشلاقی نظیر راه، برق، آب زراعی، آب مشروب، امکانات آموزشی، مراکز بهداشتی و درمانی، مسکن و نظایر اینها ،
۲- مشکلات موجود در ایل‌راهها (میان بند) مانند دوری مسیر میان بیلاق و قشلاق، اختلاف عشایر با روستاییان، عدم کفایت مراتع میان بند برای تعلیف دام در موقع کوچ و مانند اینها ،

۳- وجود اختلافهای قومی و قبیله‌ای میان رده‌های درون - ایلی یا میان - ایلی مانند تیره‌ها و طایفه‌ها و فقدان یا عدم کفایت مراجع و مکانیسم مناسب برای رسیدگی به مسایل و اختلافهای عشایر ،

۴- مشکلات اقتصادی نظیر عدم حمایت از تولیدات عشایر، عدم تضمین خرید محصولات آنها، عدم دسترسی به بازار فروش و عدم شناخت بازار، نقش واسطه‌ها، پیله‌وران و مغازه داران شهری و روستایی ،

۵- و نهایتاً عدم کفایت برنامه‌ریزی و اقدامات دولت در جهت بستر سازی برای توسعه زندگی عشایر و فراهم کردن امکانات لازم برای اسکان اختیاری آنان در کانونهای توسعه .

دوم - مسایل اسکان : با وجود این که نزدیک به ۹۰/۰ درصد خانوارهای عشایری به اسکان گرایش دارند (جدول و نمودار شماره ۲)، در حال حاضر فقط ۱۲/۵ درصد آنان اسکان یافته‌اند (جدول و نمودار شماره ۱). مشکلات زیادی بر سر راه اسکان عشایر وجود دارد که آنها را می‌توان به شکل زیر طبقه بندی کرد :

۱ - فقدان تسهیلات زیر بنایی در کانونهای توسعه مورد نظر یا مراکز فرضی دیگر مانند راه، برق، امکانات آموزشی، مراکز بهداشتی - درمانی، آب زراعی، آب مشروب، مسکن مناسب، سرمایه و منابع وام و اعتبار ،

۲ - وجود اختلافهای قومی و قبیله‌ای که در حال حاضر مانع هماهنگی میان عشایر می‌شود و در آینده ترس از همزیستی مسالمت آمیز با دیگران را به همراه دارد و در برخی موارد نیز مانع اجرای برنامه‌های توسعه می‌شود . علاوه بر این، مراجع اداری نیز کفایت لازم را برای رفع موانع و حل اختلافهای عشایر نشان نداده‌اند ،

۳ - وجود موانع فرهنگی در جامعه عشایری نظیر وابستگی ایلی و علاقه به ادامه کوچروی به روال مألوف، عدم شناخت آینده و ترس از آن، فقدان دوربینی و دور اندیشی به دلیل پایین بودن میزان آگاهیهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نهایتاً سنتی بودن شدید جامعه ،

- ۴ - وجود مسایل و مشکلات فنی و تخصصی نظیر عدم آشنایی با زراعت و دامداری پیشرفته، عدم آشنایی کافی با فعالیتهای صنعتی و حتی صنایع دستی و عشایری و عدم آشنایی با فعالیتهای خدماتی ،
- ۵ - و نهایتاً فقدان برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی مدون برای اسکان عشایر با تمهید مقدمات و بستر سازی در کانونها و مراکز توسعه عشایری .

* * *

برخی از مسایل و مشکلات جامعه عشایری در رابطه با کوچ و اسکان در جدولهای شماره ۵ تا ۱۱ و نمودارهای شماره ۴ تا ۱۰ درج شده است. ذیلاً به ذکر برخی از یافته‌های آنها اشاره می‌شود :

۱) امکانات و تسهیلات زیر بنایی : حدود ۵۱/۲ درصد قشلاقهای عشایری راه ندارند ؛ ۳۶/۹ درصد آنها دبستان ندارند؛ در ۹۶/۳ درصد قشلاقها مدرسه راهنمایی وجود ندارد؛ فقط ۱۳/۴ درصد خانوارها از آب لوله‌کشی استفاده می‌کند؛ تنها ۴/۷ درصد آنها به مراکز بهداشتی - درمانی دسترسی دارند و در ۲۱/۴ درصد قشلاقها برق وجود دارد (جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۴) .

۲) نحوه کوچ خانوار و دام : ۸۵/۰ درصد خانوارهای عشایری مسیر میان بیلاق و قشلاق را با ماشین طی می‌کنند و هنوز ۱۵/۰ درصد آنان به شیوه سنتی این مسیر را می‌پیمایند، در حالی که ۹۸/۰ درصد دامها به شیوه سنتی و پای پیاده در این مسیر رفت و آمد دارند و فقط ۲/۰ درصد آنها با استفاده از وسایل ماشینی انتقال داده می‌شوند (جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۵) .

۳) اختلافهای قومی و قبیله‌ای : در میان ۹۰/۰ درصد قشلاقهای عشایری، به نوعی اختلاف بر می‌خیزد (جدول شماره ۷ و نمودار شماره ۶). حدود ۷۰/۰ درصد عشایر در درون خود اختلاف دارند، ۸۵/۰ درصد آنان با روستاییان مسئله دارند، ۴۵/۰ درصد با تیره‌های مختلف و ۳/۰ درصد با طایفه‌های عشایری درگیر هستند (جدول شماره ۸ و نمودار شماره ۷) .

۴۳/۰ درصد اختلافهای عشایر بر سر مراتع (همجواری و مالکیت آنها) اتفاق می‌افتد ، ۳۳/۰ درصد با روستاییان بر سر ایلراها اختلاف دارند، ۴۱/۰ درصد اختلافهای آنها قومی است و ۶/۰ درصد بر سر آب و زمین روی می‌دهد (جدول شماره ۹ و نمودار شماره ۸) .

بیش از نصف اختلافهای عشایری ریش سفیدان، افراد ذی نفوذ و خویشاوندان مورد حل و فصل قرار می‌گیرد (۵۰/۲ درصد آنها) و کمتر از نصف آنها توسط مراجع ذیصلاح اداری و نظامی (۴۹/۸ درصد) (جدول شماره ۱۰ و نمودار شماره ۹).

۶۲/۵ درصد عشایر برای همجواری و همسایگی با خانوارهایی از تیره‌ها و طایفه‌های عشایری دیگر مشکلی احساس نمی‌کنند ولی حدود ۳۷/۵ درصد آنان مایل نیستند در شهرکهای عشایری و مراکز و کانونهای توسعه آینده با عشایری غیر از تیره و طایفه خود همسایه باشند (جدول شماره ۱۱ و نمودار شماره ۱۰).

نتیجه‌گیری و بحث

آنچه که به عنوان نتیجه بررسی از مقاله حاضر بر می‌آید، در ارتباط با پاسخ سئوالهای پژوهشی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱- **نرخهای واقعی کوچ و اسکان:** طی سالیهای مورد بررسی (۷۳ تا ۷۸)، نرخهای اسکان از حدود ۳/۵ به ۷/۰ درصد افزایش یافته است. در این مدت نرخهای رمه گردانی از ۲/۰ به ۱۹/۰ درصد افزوده شده و در مقابل، نرخهای کوچ از ۹۴/۵ به ۷۴/۰ درصد کاهش یافته است.

۲- **نرخهای تمایل به کوچ و اسکان:** در فاصله زمانی مذکور، نرخهای تمایل به اسکان از ۸۸/۰ به ۹۵/۵ درصد افزایش یافته و نرخهای رمه گردانی کوچ از ۲/۰ به ۰/۵ و نرخهای تمایل به کوچ از ۱۰/۰ به ۴/۰ درصد کاهش یافته است.

۳- **عوامل مؤثر بر کوچ و اسکان:** در این مدت مهمترین عواملی که باعث شده است نرخهای اسکان با سرعت مطلوبتری افزایش نیابد، عمدتاً به شرح زیر بوده است: نبود کافی تسهیلات زیر بنایی ۳۸/۸ درصد، عدم تأمین سرمایه، وام و اعتبار مکفی ۲۱/۲ درصد، نبود یا کمبود زمین زراعی مناسب ۱۹/۳ درصد، عدم کفایت آب زراعی و مشروب ۱۸/۳ درصد و عوامل دیگر ۲/۴ درصد.

۴- **مسایل و مشکلات کوچ و اسکان:** در این دوره مسایل و مشکلات مربوط به ادامه کوچروی و اسکان عشایر به ترتیب زیر بوده است: فقدان امکانات و تسهیلات زیر بنایی، وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای، مشکلات موجود در اپلراهها، مشکلات اقتصادی نظیر کمبود سرمایه و وام و اعتبار، فقدان یا عدم کفایت برنامه‌ریزی و اقدامات دولت، مشکلات فنی نظیر عدم آشنایی با زراعت، موانع فرهنگی مانند وابستگی ایلی، شیوه کوچ خانوار و دام و نظایر آن.

فهرست منابع و مآخذ

- امان الهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰)؛ کوچ‌نشینی در ایران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- بهشتی، محمد باقر (۱۳۷۶)؛ بررسی ساختار سیاسی و اجتماعی عشایر استان آذربایجان شرقی (ارسباران)، تبریز: استانداری آذربایجان شرقی.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۳)؛ مطالعات اجتماعی و اقتصادی زیست بوم عشایری قره قیه (حوزه سد مخزنی ارسباران)، تبریز: اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۴)؛ بررسی اجتماعی و اقتصادی زیست بوم عشایری ایل جلالی (کانون توسعه دشت زنگنه)، ارومیه: اداره کل امور عشایر آذربایجان غربی.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۷)؛ مطالعات تفصیلی محل اسکان عشایر در کانون توسعه قره قیه، تبریز: اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی، شرکت آذر کوچ.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸)؛ طرح ساماندهی عشایر قره گونی، تبریز: اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی.
- _____ (۱۳۷۲)؛ رهنمودهایی برای انتخاب پروژه‌های اجرایی طرح توسعه و ...، تهران: سازمان مرکزی امور عشایری ایران.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۹)؛ مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران: نشرنی.
- موسوی نژاد، سید ابراهیم (۱۳۷۲)؛ زیست بوم، به بیان دیگر، تهران: دفتر مطالعات طرح توسعه مناطق عشایری، نشریه داخلی.
- مهندسین مشاور توسعه و بهسازی ارومیه (۱۳۷۵)؛ طرح نیمه تفصیلی کانون توسعه دشت زنگنه، ارومیه: اداره کل امور عشایری آذربایجان غربی.
- _____ (۱۳۶۱)؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی عشایر، تهران: معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی: مرکز تحقیقات روستایی.

پیوستها: جدولها و نمودارها

جدول ۱ - نرخهای کوچ و اسکان واقعی عشایر در سالهای مختلف

سال / منطقه	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
نرخ	قره قیه	زنگنه	ارسباران	قره قیه	قره گونی
کوچ	۹۴/۵	۷۵/۰	۹۴/۰	۸۷/۰	۴۳/۰
رمه گردانی	۲/۰	۱/۵	۲/۰	۶/۰	۳۲/۵
اسکان	۳/۵	۲۳/۵	۴/۰	۷/۰	۲۴/۵

جدول ۲ - نرخهای تمایل به کوچ و اسکان عشایر در سالهای مختلف

سال / منطقه	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
نرخ	قره قیه	زنگنه	زنگنه	ارسباران	قره قیه	قره گونی
کوچ	۱۰/۰	۱۰/۰	۵/۰	۱/۰	۱/۰	۹/۰
رمه گردانی	۲/۰	۲/۵	۲/۵	۰/۵	۰/۵	۲/۰
اسکان	۸۸/۰	۸۷/۵	۹۲/۵	۹۸/۵	۹۸/۵	۷۱/۰

جدول ۳ - شرایط اسکان از دیدگاه عشایر

سال / منطقه	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
نرخ	قره قیه	زنگنه	ارسباران	قره قیه	قره گونی
تسهیلات زیر بنایی	۴۱/۲	۳۰/۰	۴۰/۷	۴۳/۲	۳۸/۸
سرمایه و اعتبار	۱۶/۰	۳۳/۰	۲۹/۰	۶/۶	۲۱/۲
زمین زراعی	۱۰/۵	۲۷/۰	۱۲/۶	۲۷/۳	۱۹/۳
آب زراعی و مشروب	۳۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۶	۲۲/۹	۱۸/۲
سایر شرایط	۲/۳	۰/۰	۷/۱	۰/۰	۲/۴

جدول ۴ - محل مناسب برای اسکان از دیدگاه عشایر

سال و منطقه	محل	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۷
قره قیه	قره قیه	قره قیه	زنگنه	قره قیه
قشلاق	۹۶/۴	۹۸/۱	۹۹/۸	
خودی	۷۳/۰	۹۴/۴	-	
دیگری	۲۶/۴	۳/۷	-	
بیلاق	۳/۵	۱/۷	۰/۱	
میان بند	۰/۱	۰/۲	۰/۱	
شهرک و مرکز	۷۴/۲	۸۷/۳	۹۵/۳	
اسکان با زمین	۷۸/۸	۹۶/۴	۹۸/۰	

جدول ۵ - امکانات و تسهیلات زیر بنایی موجود در جوامع عشایری

سال و منطقه	امکانات	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۷
راه	۲۴/۶	۸۸/۹	۳۳/۰	قره قیه
مسکن	۹۳/۲	۱۰۰/۰	۹۵/۳	
دبستان	۵۹/۰	۶۶/۷	۶۳/۶	
راهنمایی	۴/۹	۰/۰	۶/۱	
آب مشروب	۳/۳	۳۰/۸	۶/۱	
مرکز بهداشتی	۵/۰	۰/۰	۹/۱	
برق	۷/۵	۴۴/۵	۱۲/۱	

جدول ۶- شیوه‌های کوچ خانوار و دام عشایری

سال و منطقه	نحوه کوچ			
	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۴	۱۳۷۳
خانوار	قره گونی	قره قیه	زنگنه	قره قیه
	۰/۰	۴/۷	۱/۸	۳/۶
	۱۰۰/۰	۸۹/۳	۹۸/۲	۲/۹
دام	سنتی	سنتی	سنتی	سنتی
	ماشینی	ماشینی	ماشینی	ماشینی
	مختلط	مختلط	مختلط	مختلط
	۰/۰	۶/۰	۰/۰	۹۳/۵
	۱۰۰/۰	۹۴/۹	۹۶/۸	-
	۰/۰	۱/۰	۳/۲	-
	۰/۰	¼	۰/۰	-

جدول ۷- وجود اختلاف در جامعه عشایری

سال و منطقه	اختلاف			
	۱۳۷۷	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳
بلی خیر	قره قیه	زنگنه	زنگنه	قره قیه
	۸۴/۸	۱۰۰/۰	۷۷/۸	۱۰۰۰/۰
	۱۵/۲	۰/۰	۲۲/۲	۰/۰

جدول ۸- انواع اختلاف در جامعه عشایری

سال و منطقه	اختلاف			
	۱۳۷۷	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳
با خود با روستاییان با تیره‌ها دیگر با طایفه‌های دیگر	قره قیه	زنگنه	زنگنه	قره قیه
	۲۱/۴	۸۰/۰	۸۰/۰	۱۰۰/۰
	۴۴/۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
	۲۳/۳	۸۰/۰	۸۰/۰	۰/۰
	۱۰/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰

جدول ۹- علت‌های اختلاف در جامعه عشایری

سال و منطقه		۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۷
علت اختلاف		قره قیه	زنگنه	زنگنه	قره قیه
مراتع عشایری		۱۰۰/۰	۴۰/۰	۰/۰	۳۲/۰
ایلراه		۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۳۲/۰
قومی و قبیله‌ای		۰/۰	۸۵/۰	۸۰/۰	۰/۰
آب و زمین زراعی		۰/۰	۴۰/۰	۰/۰	۷/۰

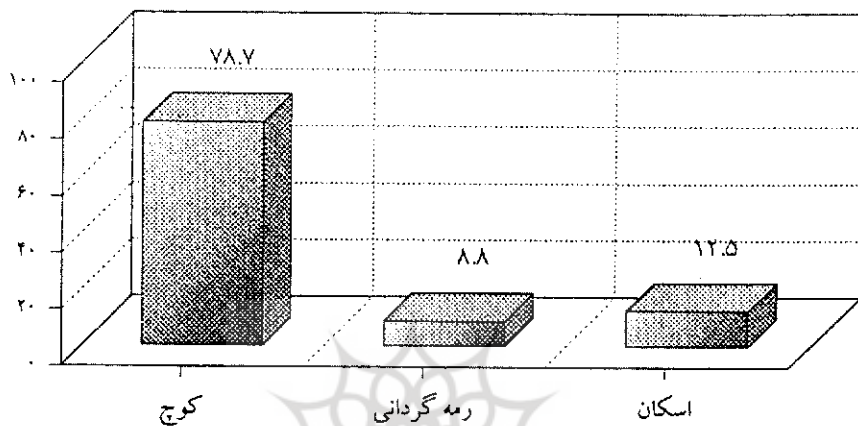
جدول ۱۰- مراجع حل اختلاف در جامعه عشایری

سال و منطقه		۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۷
مراجع		قره قیه	زنگنه	قره قیه
ریش سفید و متنفذ		۳۷/۷	۵۳/۰	۶۰/۰
مراجع اداری		۶۲/۳	۴۷/۰	۴۰/۰

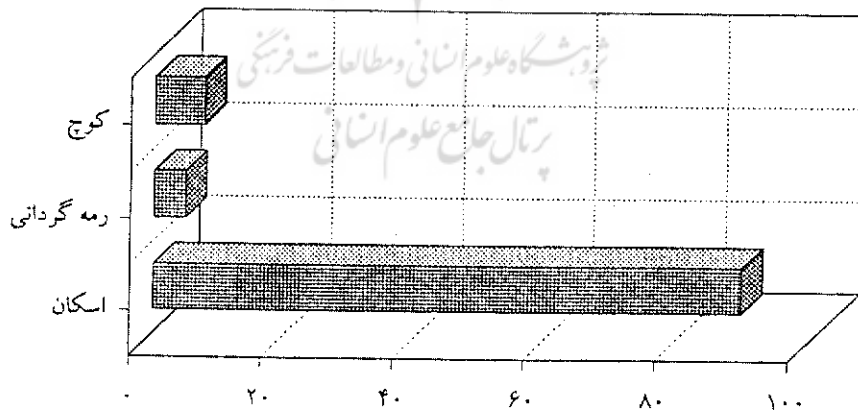
جدول ۱۱- تمایل به اسکان با عشایر دیگر

سال و منطقه		۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۷
تمایل		قره قیه	زنگنه	قره قیه
بلی		۵۰/۸	۸۲/۹	۵۳/۸
خیر		۴۹/۲	۱۷/۱	۴۶/۲

نمودار ۱ - نرخهای کوچ و اسکان واقعی عشایر

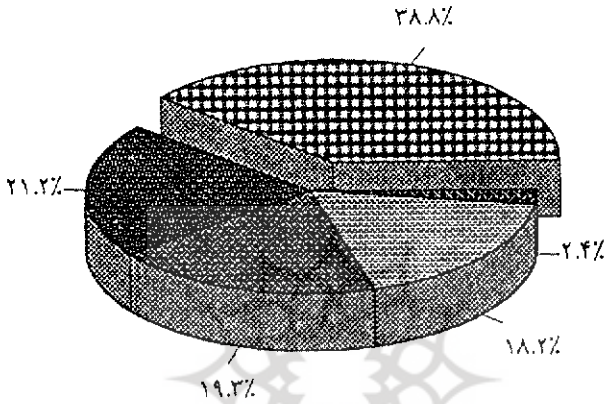


نمودار ۲ - نرخهای تمایل به کوچ و اسکان عشایر

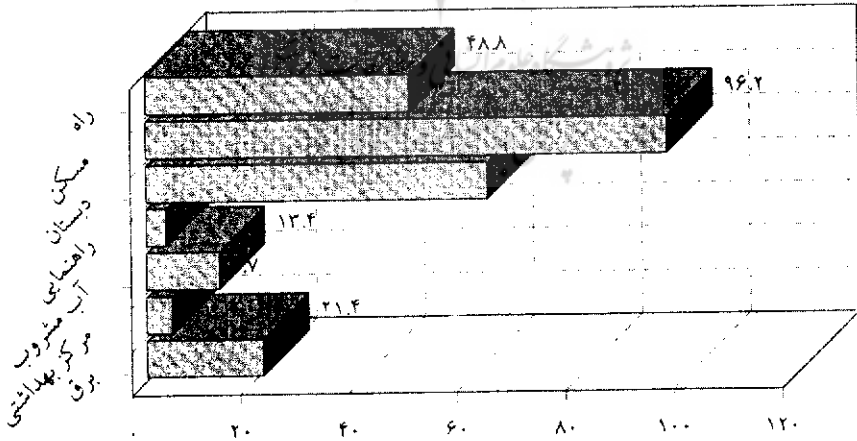


نمودار ۳ - شرایط اسکان از دیدگاه عشایر

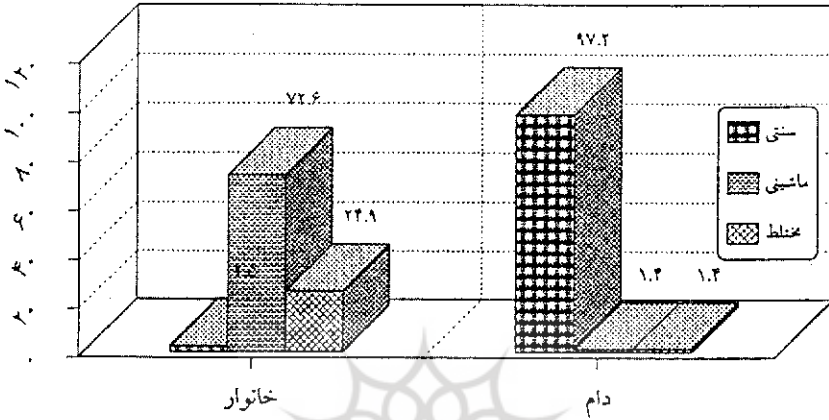
زمین زراعی سرمایه و اعتبار تسهیلات زیربنایی
 سایر شرایط آب زراعی و مشروب



نمودار ۴ - امکانات و تسهیلات زیربنایی موجود در جوامع عشایری

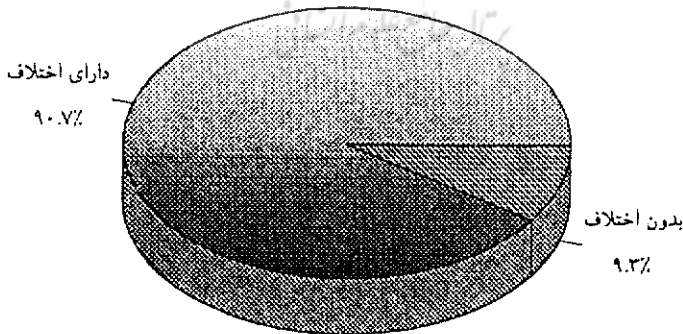


نمودار ۵ - شیوه های کوچ خانوار و دام عشایری

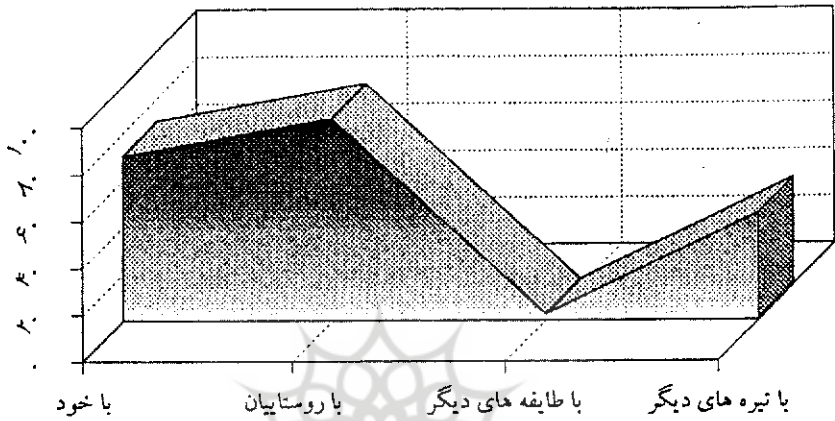


نمودار ۶ - وجود اختلاف در جامعه عشایری

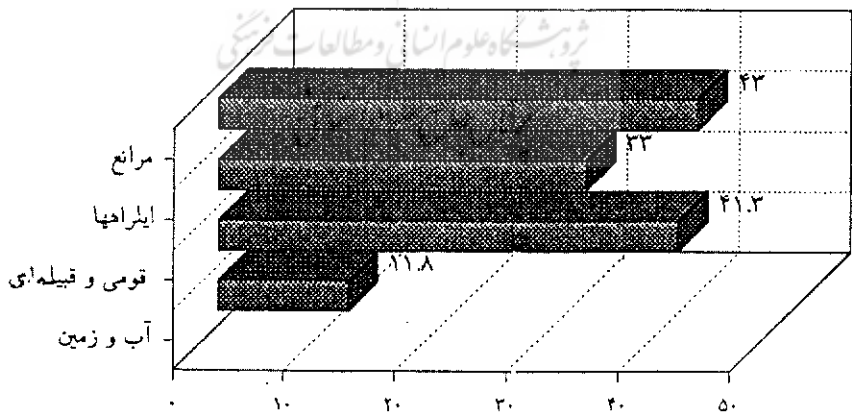
دارای اختلاف بدون اختلاف



نمودار ۷- اشکال اختلاف در جامعه عشایری

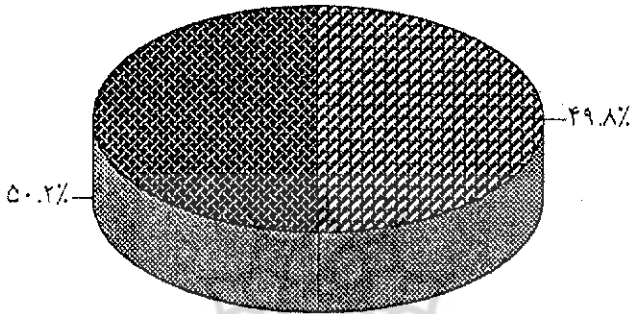


نمودار ۸- علت های اختلاف در جامعه عشایری



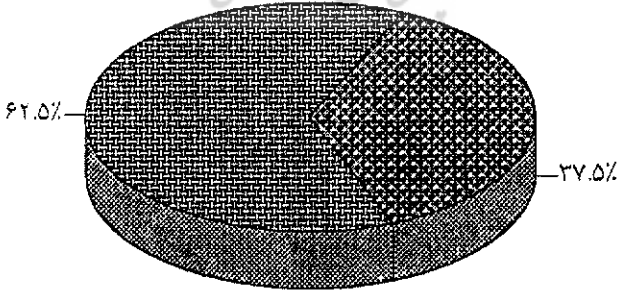
نمودار ۹ - مراجع حل اختلاف در جامعه عشایری

مراجع اداری ریش سفید و متغذ



نمودار ۱۰ - میزان تمایل به اسکان با عشایر دیگر

مخالف اسکان با دیگران مایل به اسکان با دیگران





شپوہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی